خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ .۲۳ شعبان ۱۴۳۹ .شماره ۱۹۸۱۵

ساعاتی در آسایشگاه جانبازان اعصاب و روان مشهد

ما هنوز تمام نشدیم...

مهدی عسکری- چهار سال از آخرین حضورمان گذشته. «هادی صفایی» را دیگر نمی بینم. می گویند روزهای آخر انگشتان پایش را هم لابه لای رنج دیابت از دست داده بود. جای «محمدرضا عربی» هم خالی است. چه خنده های دلنشین و پرامیدی داشت و چقدر دست و دلباز بود. از «محمدرضا محسنی» با مقاومت مثال زدنی اش در مقابل درد هم خبری نیست. «علی اکبر فتح آبادی» رزمنده صبور و دردمند سال ها رنج جانبازی را هم نمی بینم. «علی نوروزی» هم که همه از مهربانی هایش می گویند، حالا فقط یادو نامش باقی مانده. «رضا آهن جان» که همه از او به نام با مرام یاد می کنند، «موسی کمالی» با تمام همراهی هایش با درد دل همرزمان، «رسول مملو» دوست داشتنی، «احمد میبدی» آرام و متین و «علی محمدمقانی» که در همه امور فعال و پویا بود ... چه پر شمارند رزمندگانی که اردیبهشت چهار سال قبل با آن ها نشستیم و گفتیم و حالا فقط یادشان برای مان مانده. چه وداع دردمندانه و چه غربت غریبانه‌ای است، ندیدن شهدایی که سال های قبل بودند و حالا نیستند و خدا می داند برای حضور بعدی مان باید خبر شهادت کدام شان را بشنویم... درختان بلند آسایشگاه و فضای سبز محوطه شاید برای من و ما نشاط آفرین و فرحبخش باشد اما برای بسیاری از آن ها که استخوان خرد کرده درد هستند شاید این تعاریف متفاوت باشد. مردانی که درد همنشین هر لحظه و هر روزشان شده و چهره خیلی هاشان زیر هجوم همیشگی دردهای جسمانی، تکیده تر از سن و سال شان نشان می دهد، با این وجود هنوز هم بعد از گذشت ۳۰ سال از سال های دفاع، غرور میدان رزم در چهره دارند و به درد لبخند می زنند و عجیب است که در تمام ساعات حضور ما، با هر کدام شان که از درد می گویم، یا لبخند می زنند یا آن را حواله به تقدیر می کنند و خودرا منتخب این روزها می دانند. عجیب است که لحن آرام صدای شان هر گاه که با پرسش از بازگشت روزگار و امتحان دوباره رفتن به جبهه رو به رو می شود، به نهیب با صلابت و اشتیاقی دوباره برای رفتن به جبهه تبدیل می شود. عجیب است که خلاصه تمام دلتنگی های شان فقط در نبودن همرزمان شان خلاصه می شود و باز هم عجیب است که خیلی هاشان بر شهادت و رفتن لبخند می زنند و می گویند هیچ تعلقی به دنیا ندارند. در میان فراموشی ما از آن ها، در میان دردهای فراوان و مداوم شان و در میان مظلومیتی که همیشه بر روزگار جانبازان اعصاب و روان حاکم بوده، آن ها هنوز هم اسطوره های بی نام و نشان این سرزمین اند؛ اسطوره های بی توقع مدال و مال و منال، حتی گلایه ای هم از فراموشی ندارند. اصلا انگار از جنس خیلی از ما نیستند.

■ جانبازی به سبک فیلم های سینمایی

آقای عالمی جانباز ۷۰ درصد اعصاب و روان است. در گوشه ای از محوطه در افکار خودش فرو رفته و خلوت کرده است. می گویند قصه جانبازی اش درست همانند بسیاری از جانبازی های فیلم های سینمایی است ... تانک دشمن در کنارش توقف کرده و لوله تانک از بالای سرش شلیک کرده و موج شدید انفجار حال و احوالش را زیرورو کرده. طولی نمی کشد که جمع زیادی از جانبازان به استقبال ما می آیند، با صمیمیتی مثال زدنی. انگار که در جمعی خودمانی قرار داریم. گپ و گفت مان را با جانباز «اکرمی» آغاز می کنیم. از سال ۶۰، زمانی که تنها ۱۶ سال داشت راهی جبهه شد. می گوید: در اهواز در نزدیکی زاغه مهمات بودم که مورد حمله قرار گرفتیم و مجروح شدم، با این حال همچنان به حضورم در جبهه ادامه دادم و در عملیات والفجر ۸ در سال ۶۴ در بصره هم شیمیایی شدم و هم دوباره جانباز شدم. از دردهای جانبازی اش می پرسم. لبخند تلخی می زند و می گوید: درد که همیشه هست. هر روز چندین و چند ساعت که بخشی از این دردها را با قرص آرام می کنیم اما رسیدگی آسایشگاه هم خوب و مطلوب است. او اضافه می کند: وقتی هر از چند گاهی دوره درمانی ام تمام می شود و به منزل بر می گردم به نوعی دیگر با عوارض اعصاب و روان درگیرم. داخل اتاقم خودم را زندانی می کنم یا ساعت ها در خودم فرو می روم و به گوشه ای زُل می زنم. سر حرف را به سال ها قبل می کشانم و می گویم اگر قرار باشد دوباره برگردی به دوران نوجوانی ات، آیا باز هم همین راه را انتخاب می کنی؟ جالب است قبل از آن که پاسخ سوالم را بدهد، چند نفر دیگر از جانبازان هم با اطمینان می گویند حتما می رویم، تردید نکنید، باز هم این راه را می رویم...

■ به خاطر جانبازی نتوانستم به جنگ داعش بروم

این بار جانباز «علی آبادی» که ۳۲ سال است با آثار جانبازی دست و پنجه نرم می کند، می گوید: خدا می داند شعار نمی دهیم. برای اعزام به سوریه و جنگ با داعش به پایگاه بسیج مراجعه کردم. پرونده ام را که بررسی کردند. سه سال و سه ماه سابقه بسیج داشتم، اما مسئول بسیج گفت شما جانباز شیمیایی و اعصاب و روان هستی. بعد هم عذرخواهی کردند و گفتند نمی توانی بروی...

■ گفتند حتما خیلی وضع تان خوب است!

او که چهره اش بیش از ۶۰ ساله نشان می دهد، تنها ۵۲ بهار را پشت سر گذرانده، بین حرف هایش بریده بریده نفس می کشد و به سختی ادامه می دهد: بنویسید حال و احوال مان سخت می گذرد اما دلخوشیم به اجری که خدا می دهد. «علی اکبر محمدی» صدای هر نفسش با خس خس بلندی همراه است. او که در کردستان جانباز شده است، می گوید: طی درگیری با کومله و دموکرات به این روزها دچار شدم. در جاده مین گذاری کرده بودند و ماشین ما در راه به کمین رفتن، روی مین وسط جاده رفت و منفجر شد. او می گوید: تازه از سربازی آمده بودم. کارمند اداره راه آهن بودم. در بسیج اداره بودم و راهی جبهه شدم. شاید بگویید شعار می دهم اما خدا می داند آدم های آن زمان خیلی خالص بودند و هدف جبهه دفاع بودن نه پول و مقام...

او حرف هایی می زند که شنیدنش کمی دردآور است؛ دردهایی که باید باسکوت طی شود: خیلی ها از مامی پرسند چند درصد جانبازی گرفتین؟ چقدر حقوق می گیرید؟ حتما وضع تان خیلی خوب است و ... شاید خیلی از همین ها که این سوال ها را می پرسند ندانند که من در ۲۷ سالی که این جا هستم حتی یک ریال از بنیاد حقوق نگرفته ام.

■ دردهای دنیای ما به خاطر اعتقادات مان است

«محمد ناصر باغبان» هم ۵۷ سال دارد اما چهره او نیز خیلی بیشتر از مشخصات سجلی اش نشان می دهد. او می گوید: من در کردستان به همراه خیلی های دیگر همرزم شهید کاوه بودیم. یادش به خیر لیاقت شهادت داشت و ما ماندیم. در زمانی که بود عراقی ها جرئت حمله به لشکر ویژه شهدا را نداشتند. از او می پرسم: اگر اعلام کنند فقط یک هفته دیگر مهلت دارید و بعد هم از دنیا می روید، در مدت زمان باقی مانده چه می کنید. پاسخی که می دهد جالب است، می گوید: نوع مرگم را هم بگویید، اگر قرار بر شهادت باشد بهتر است. من خیلی آماده رفتن هستم. در این یک هفته تلاش می کنیم در جمع خودمان خوش باشیم. توقع مادی هم از دنیا نداریم، دردهای ظاهری دنیا برای ما خیلی زیاد بوده اما خدا را شکر هر چه بوده بخاطر اعتقادات مان بر سرمان آمده...

■ برای رفتن به جبهه اشک می ریختم

«محمد توکلی» هم از فریمان آمده. هر بار سه، چهار ماه مهمان این جاست و دو هفته به خانه باز می گردد. خودش می گوید: خانواده ام از درک بالایی برخوردار هستند اما ناملایمات روزگار خیلی زیاد است و فراوان زخم زبان می شنویم اما این جا هم درک مان می کنند هم آرامش داریم. در حالی که به گوشه ای خیره می شود، ادامه می دهد: بیشتر از دردهای جسمی، مصائب روحی خراب مان کرده ... و سکوت می کند. او ادامه می دهد: بعضی توهین ها آن قدر تلخ و زشت است که شرم دارم بگویم. نمی دانم چرا برخی ها با جانبازان و به ویژه جانبازان اعصاب و روان این گونه برخورد می کنند. از او که یک بار در اهواز و دو بار در مهران جانباز شده است می پرسم چرا با وجود جانبازی ات، باز به جبهه رفتی؟ اشک در چشمانش حلقه می زند و می گوید: اگر ساعت ۱۲ شب فرمان امام را برای رفتن به جبهه ها می شنیدم، تا صبح اشک می ریختم و بی تاب بودم که هر چه زودتر آفتاب بزند و به جبهه اعزام بشوم، از بس که بی تاب رفتن بودم. از او که سه فرزند دارد درباره رابطه اش با فرزندانش سوال می کنم؛ این که برخورد خانواده اش با یک همسر و پدر جانباز شیمیایی چگونه است؟ می گوید: خدا را شکر می کنم که با درک بالایی که دارند بارها به من برای ایستادگی در مقابل عوارض جانبازی قوت قلب داده اند. خدا را شکر که با تمام وجود به من افتخار می کنند و ناملایماتی را که از سوی دیگران می بینم، جبران می کنند.

■ هنوز هم بعضی ها فکر می کنند دیوانه ایم

نوبت به «علی اصغر خردنیا» رسیده که در طول گفت وگو با دیگر همرزمانش لبخند برای لحظه ای از روی لب هایش محو نشده و دایم با همه شوخی می کند. در ۵۳ سالگی، چهره اش حداقل ۲۰ سال بیشتر نشان می دهد. کنار «حسن محزونی» که روی ویلچر نشسته می نشینم. او که برای درمان تا به حال دو بار راهی کشور آلمان شده، در دوران دفاع مقدس در سومار و فاو حضوری فعال داشته است. آثار ترکش های زیادی روی پا و دست هایش دارد. می گوید: یادش به خیر، از مسئولان، فقط شهردار سابق مشهد به دیدنم آمد و یک تخت برقی به من هدیه کرد اما در تمام این سال ها از آمدن مسئولان دیگر هیچ خبری نبوده است.

■ ما هنوز تمام نشده ایم...!

یکی دیگر از جانبازان نیز لب به گلایه می گشاید و می گوید: خیلی از ما به دلیل مشکلات اعصاب و روان، نتوانسته ایم پدر و همسر خوبی برای خانواده های مان باشیم. وقتی دردها زیاد می شود و به اوج می رسد، حالمان دست خودمان نیست و ممکن است خیلی اتفاق ها بیفتد که از اختیار ما خارج است. او ادامه می دهد: بسیاری از خانواده های ما مرارت ها و سختی های زیادی را به خاطر ما تحمل می کنند و به خاطر حال نامساعد ما حتی قادر به چند دقیقه همکلام شدن با ما نیستند. او ادامه می دهد: متأسفانه هیچ خیری برای خانواده های مان نداشته ایم و از طرفی مشکل و معضلات ما برای خیلی از مسئولان مسئله ای عادی شده است.

او بیان می کند: رفتار برخی مسئولان به گونه ای است که متأسفانه فکر می کنند سال ها از جنگ گذشته و دیگر خبری از ما نیست، در حالی که ما هنوز هستیم و تمام نشده ایم، یادم می آید برای انجام کاری اداری به سراغ یکی از مسئولان رفتم و گفتم امتیاز ویژه ای نمی خواهم فقط به کارم رسیدگی شود. من جانباز اعصاب و روان هستم و با سختی رفت و آمد می کنم اما آن مقام مسئول به یک جمله اکتفا کرد و گفت «خب به جبهه نمی رفتی که این اتفاق برایت نیفتد». او می گوید: بعضی های شان فکر می کنند ما دنبال ماشین و امکانات هستیم. هیچ کدام از کسانی که این جا می بینید نه ماشین گرفته اند و نه دنبال دریافت امکانات ویژه ای هستند. حرف ها و درد دل ها بسیار است، اما رنگ و بویی از انتظارات مادی در هیچ کدام از درد دل ها نیست. دل های دریایی آن ها آن قدر بزرگ است که فقط جای غبطه اش برای ما باقی می ماند. جانباز «خردنیا» می خواهد ما را به آوازی محلی دعوت کند. ما هم استقبال می کنیم و داخل محوطه حلقه رزمندگان دیروز و جانبازان امروز بسته می شود و او با صدای بلند همه ما را به آوازی دل انگیز مهمان می کند.

به پیشنهاد عکاس روزنامه آماده عکس یادگاری دسته جمعی می شویم. شاتر های پیاپی از خنده های آن ها در حالی که دستان شان را برای مان تکان می دهند به ثبت می رسد. بهانه دیدار ما از آن ها فارغ از تمام مناسبت ها و ایام تقویمی بود؛ دیدار با مردانی که در روزهای آتش و خون بدون چشمداشت سینه ها را مقابل گلوله های دشمن سپر کردند و امروز بعد از سال های سال همچنان همان فراغ بال دنیایی شان را حفظ کرده اند؛ بی تکلف، بی چشمداشت و بهانه...

■ ایجاد مرکز درمانی جانبازان اعصاب و روان

آخرین گپ و گفت ما با «سیدجواد موسوی» مدیر این مجموعه است. او که دغدغه جدی برای آرامش هر چه بیشتر مهمانان این مرکز دارد، می گوید: این مجموعه از سال ۷۰ آغاز به کار کرد و تا سال ۹۰ در منطقه ویلا شهر و در ساختمانی موقوفه بود. آغاز فعالیت ما با ۲۲ تخت بود و حالا به ۳۵ تخت بستری و ۳۰ تخت روزانه رسیده است؛ به گونه ای که برخی جانبازان برای چند روز در این جا بستری می شوند و بعد از بهبودی به منزل می روند و در کنار آن ۳۰ تخت نیز به مراجعات روزانه جانبازان اختصاص دارد.

او ادامه می دهد: جانبازان زیادی در نوبت حضور در این جا هستند. از آرزوهای ما این است که بتوان فضا و شرایط بزرگ تری برای جانبازان اعصاب و روان ایجاد کنیم. او می افزاید: با وجود این که در بیمارستان ابن سینا بخش ویژه ای برای جانبازان اعصاب و روان ایجاد شده است اما از مسئولان می خواهیم مجوزی برای ایجاد یک مرکز درمانی در این مکان صادر شود تا بتوانیم جانبازان بیشتری را پوشش بدهیم و از طرفی دیگر با حضور جانبازان برای پیگیری های درمانی در همین مرکز، بیماران اعصاب و روان بیشتری بتوانند در بیمارستان ابن سینا بستری شوند. وی ادامه می دهد: تنها انتفاع و نقطه برجسته این درخواست، تلاش برای فراهم سازی محیط درمانی مطلوب برای جانبازان اعصاب و روان است و از دانشگاه علوم پزشکی که تاکنون همراهی های قابل قبولی با ما داشته است، می خواهیم برای صدور مجوز بهره برداری بیمارستان ویژه جانبازان اعصاب و روان ما را یاری کند.

عکس ها: میثم دهقانی

آگهی مزایده اموال- مرحله دوم

به موجب پرونده اجرایی کلاسه شماره ۹۶۲۹۴۰-۳۱ صادره از حوزه شماره ۱۴۶ شورای حل اختلاف مشهد محکوم علیه آقای محمدرضا کنویسی جمعا به پرداخت مبلغ ۱۹۰/۴۳۸/۸۳۸ ریال و ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال نیم عشردولتی بابت اصل خواسته و خسارت تاخیر تادیه در حق محکوم له آقای حمید مطعمه‌چی محکوم گردیده است و چون تاکنون نسبت به پرداخت دیونش هیچگونه اقدامی ننموده حسب تقاضای طلبکار اموال مشروحه ذیل در قبال محکوم به توقیف و توسط کارشناس دادگستری ارزیابی و مقرر گردیده در تاریخ ۹۷/۲/۵ از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در محل اجرای احکام مدنی شورای حل اختلاف مشهد واقع در بلوار شهید قرنی- حدفاصل ۲۴-۲۲ از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت پایه شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می‌توانند ظرف پنج روز قبل از برگزاری مزایده مراجعه تا ترتیب بازدید آنان از اموال داده شود ضمنا حداقل ده درصد از بهای فروش مورد مزایده نقدا و فی المجلس از برنده وصول خواهد شد. اموال مورد مزایده عبارت است از: یک بستر ۲ قسمت مشاع از ۱۶ قسمت ۱۲ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم پلاک ثبتی ۸ فرعی از ۱۶۲ اصلی بخش ۹ مشهد به مساحت ۸۰۰۰۰ مترمربع زمین کشاورزی واقع در بلوار طبرسی بعد از پل کشف ابتدای جاده ابلغ روستای زین‌الدین که حدود اربعه در نظریه کارشناسی قید گردیده است. با توجه به مراتب فوق ارزش یک بستر از ملک مذکور ۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ارزش کل ملک ۴/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی گردیده است.م الف ۶۲۸۳ دادورز اجرای احکام مدنی شوراهای حل اختلاف مشهد مقدس-قائنی

م/۹۷۰۲۶۸۲۹

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای عبدالرضا جعفری و خانمها مریم جعفری و فضه جعفری و سیده صدیقه میرکریم‌پور و اقدس جعفری کاکلکی به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت العثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده‌اند و مدعی می‌باشند اسناد‌مالکیت پلاک ۴۶۹۷ فرعی از ۱۲- اصلی بخش نه مشهد، به علت جابجایی منزل مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد مالکیت نامبردگان در ذیل دفتر ۲۷۵۱ صفحه ۲۹۸ و ۳۰۴ و ۳۰۱ و ۲۹۲ و ۲۹۵ شماره ثبت ۴۳۱۸۹۰ و ۴۳۱۸۹۲ و ۴۳۱۸۹۱ و ۴۳۱۸۸۸ و ۴۳۱۸۸۹ ثبت و اسناد مالکیت به شماره ۷۵۹۱۹۳ الف ۹۱ و ۷۵۹۱۹۵ الف ۹۱ و ۷۵۹۱۹۴ الف ۹۱ و ۹۳۴۸۵۳ ه ۹۱ و ۷۵۹۱۹۲ الف ۹۱ صادر گردیده است دفتر املاک بیش ازاین حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و منتذر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

م الف ۵۷۴۹

حمیدرضا افشار- ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس

م/۹۷۰۲۶۷۵۸

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظربه اینکه خانم زهرا نبوی دارای شناسنامه شماره ۹۸۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷/۲/۱۷-۱۰۶۴ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان وحیدبلوکی به شناسنامه ۲۹۷۲۹ در تاریخ ۹۶/۱۲/۲۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به : ۱-زهرا نبوی فرزند سید مهدی به ش ش ۹۸۱ متولد ۱۳۴۱ صادره سبزوار(همسر) ۲- شوکت صباغ زاده فرزند فرج اله به ش ش ۳۵۸ متولد ۱۳۱۸ صادره سبزوار (مادر)۳- هانیه بلوکی فرزند وحید به ش ش ۰۷۸۰۶۸۴۹۸۲ متولد۱۳۷۵ صادره سبزوار(فرزند) ۴- مهدیه بلوکی فرزن وحید به ش ش ۱۲۴۸ متولد ۱۳۶۶ صادره سبزوار (فرزند) بجز نامبردگان فوق وارث دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشراگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

م/۹۷۰۲۶۸۱۳

رئیس شورا- شعبه۱۴ شورای حل اختلاف شهرستان سبزوار

آگهی مزایده اموال- مرحله اول

به موجب پرونده اجرایی کلاسه شماره ۹۶۵۰۲۲-۳۱ صادره از حوزه شماره ۱۷۲ شورای حل اختلاف مشهد محکوم علیه آقای گل محمد اسدخانی جمعا به پرداخت مبلغ ۳۰/۶۷۷/۵۰۰ ریال بابت اصل خواسته و خسارت تاخیر تادیه در حق محکوم له آقای مهدی رحمتی محکوم گردیده است و چون تاکنون نسبت به پرداخت دیونش هیچگونه اقدامی ننموده حسب تقاضای طلبکار اموال مشروحه ذیل در قبال محکوم به توقیف و توسط کارشناس دادگستری ارزیابی و مقرر گردیده در تاریخ ۹۷/۳/۷ از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در محل اجرای احکام مدنی شوراهای حل اختلاف مشهد واقع در بلوار شهید قرنی- حدفاصل ۲۴-۲۲ از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت پایه شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می‌توانند ظرف پنج روز قبل از برگزاری مزایده مراجعه تا ترتیب بازدید آنان از اموال داده شود ضمنا حداقل ده درصد از بهای فروش مورد مزایده نقدا و فی المجلس از برنده وصول خواهد شد. اموال مورد مزایده عبارت است از: خودروی سواری پژو ۴۰۵ به شماره انتظامی ۳۶۲ د ۳۳ ایران ۴۲- مدل ۱۳۸۵ رنگ نقره‌ای متالیک- شماره موتور ۱۲۴۸۵۰۷۸۱۷- شماره شاسی ۲۴۲۱۸۴۰۳ دارای رنگ- لاستیک‌ها فرسوده- خودروی مذکور توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۱۰۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است. لازم به ذکر است مازاد حاصل از فروش خودروی مذکور از بابت کلاسه اجرای ۹۵۲۳۳۰ ش ۱۱ توقیف می‌باشد. کلیه هزینه‌های معوقه به عهده فروشنده و هزینه تنظیم سند بالمناصفه می‌باشد.

م الف ۶۲۸۲

دادورز اجرای احکام مدنی شوراهای حل اختلاف مشهد مقدس-قائنی

م/۹۷۰۲۶۸۸۳

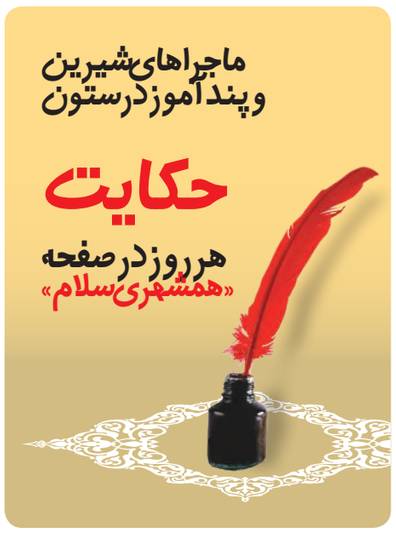

آگهی مزایده اموال- مرحله اول

به موجب پرونده اجرایی کلاسه شماره ۹۶۹۸۴۶-۳۱ صادره از حوزه شماره ۱۵۹ شورای حل اختلاف مشهد محکوم علیه آقای حسن شریعتی جمعا به پرداخت مبلغ ۲۳۴/۹۶۲/۱۱۵ ریال بابت اصل خواسته و خسارت تاخیر تادیه در حق محکوم له آقای محسن اخلاقی محکوم گردیده است و چون تاکنون نسبت به پرداخت دیونش هیچگونه اقدامی ننموده حسب تقاضای طلبکار اموال مشروحه ذیل در قبال محکوم به توقیف و توسط کارشناس دادگستری ارزیابی و مقرر گردیده در تاریخ ۹۷/۳/۶ از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در محل اجرای احکام مدنی شوراهای حل اختلاف مشهد واقع در بلوار شهید قرنی- حدفاصل ۲۴-۲۲ از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت پایه شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می‌توانند ظرف پنج روز قبل از برگزاری مزایده مراجعه تا ترتیب بازدید آنان از اموال داده شود ضمنا حداقل ده درصد از بهای فروش مورد مزایده نقدا و فی المجلس از برنده وصول خواهد شد. اموال مورد مزایده عبارت است از: خودروی سواری پژو ۲۰۶ به شماره انتظامی ۴۲۳ س ۳۳ ایران ۴۲ مدل ۱۳۸۴- رنگ سبز بشمی- شماره شاسی ۱۳۴۷۶۰۳۵- شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۷۳۵۶۵- وضعیت بیمه نامشخص- وضعیت باطری: فرسوده- دارای رنگ- رینگ و لاستیک مستعمل- دوگانه‌سوز- خودروی مذکور توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۵۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است. لازم به ذکر است کلیه هزینه‌های معوقه به عهده فروشنده و هزینه نقل و انتقال بالمناصفه می‌باشد. م الف ۶۲۸۱۰

دادورز اجرای احکام مدنی شوراهای حل اختلاف مشهد مقدس-قائنی

م/۹۷۰۲۶۸۹۲

آگهی مزایده اموال- مرحله اول

به موجب پرونده اجرایی کلاسه شماره ۹۶۹۰۸۶-۳۱ صادره از حوزه شماره ۱۶۱ شورای حل اختلاف مشهد محکوم علیه آقای کل محمد نیازی جمعا به پرداخت مبلغ ۳۰/۷۷۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و خسارت تاخیر تادیه در حق محکوم له آقای هادی رحمانی محکوم گردیده است و چون تاکنون نسبت به پرداخت دیونش هیچگونه اقدامی ننموده حسب تقاضای طلبکار اموال مشروحه ذیل در قبال محکوم به توقیف و توسط کارشناس دادگستری ارزیابی و مقرر گردیده در تاریخ ۹۷/۳/۶ ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح در محل اجرای احکام مدنی شوراهای حل اختلاف مشهد واقع در بلوار شهید قرنی- حدفاصل ۲۴-۲۲ از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت پایه شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می‌توانند ظرف پنج روز قبل از برگزاری مزایده مراجعه تا ترتیب بازدید آنان از اموال داده شود ضمنا حداقل ده درصد از بهای فروش مورد مزایده نقدا و فی المجلس از برنده وصول خواهد شد. اموال مورد مزایده عبارت است از: ۱- خط تلفن همراه ۰۹۱۵۱۰۰۰۵۸۰ به مبلغ هشت میلیون و هفتصد هزار ریال ۲- خط تلفن همراه ۰۹۱۵۱۰۹۸۴۰۹ به مبلغ یک میلیون و نهصد هزارریال ۳- خط تلفن همراه ۰۹۱۵۳۰۲۳۶۹۲ به مبلغ یک میلیون و هفتصد هزارریال ۴- خط تلفن همراه ۰۹۱۵۳۷۷۸۴۰۹ به مبلغ یک میلیون و چهارصدهزار ریال ۵- خط تلفن همراه ۰۹۱۵۵۴۴۸۴۰۹ به مبلغ یک میلیون و چهارصدهزار ریال

لازم به ذکر است کلیه هزینه‌های معوقه به عهده فروشنده و هزینه نقل و انتقال بالمناصفه می‌باشد. م الف ۶۰۵۱

دادورز اجرای احکام مدنی شوراهای حل اختلاف مشهد مقدس- قائنی

م/۹۷۰۲۶۹۱۵

آگهی مزایده اموال- مرحله اول

به موجب پرونده اجرایی کلاسه شماره ۹۶۸۳۴۵-۳۱ صادره از حوزه شماره ۱۶۱ شورای حل اختلاف مشهد محکوم علیه آقای شهاب احمدی جمعا به پرداخت مبلغ ۲۴/۴۰۶/۷۴۴ ریال بابت اصل خواسته و خسارت تاخیر تادیه در حق محکوم له آقای حسین کلانتری محکوم گردیده است و چون تاکنون نسبت به پرداخت دیونش هیچگونه اقدامی ننموده حسب تقاضای طلبکار اموال مشروحه ذیل در قبال محکوم به توقیف و توسط کارشناس دادگستری ارزیابی و مقرر گردیده در تاریخ ۹۷/۳/۷ از ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح در محل اجرای احکام مدنی شوراهای حل اختلاف مشهد واقع در بلوار شهید قرنی- حدفاصل ۲۴-۲۲ از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت پایه شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می‌توانند ظرف پنج روز قبل از برگزاری مزایده مراجعه تا ترتیب بازدید آنان از اموال داده شود ضمنا حداقل ده درصد از بهای فروش مورد مزایده نقدا و فی المجلس از برنده وصول خواهد شد. اموال مورد مزایده عبارت است از: خودروی سواری پژو ROA به شماره انتظامی ۴۲۲ س ۳۳ ایران ۴۲ مدل ۱۳۸۴- رنگ سبز بشمی- شماره شاسی ۱۳۴۷۶۰۳۵- شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۷۳۵۶۵- وضعیت بیمه نامشخص- وضعیت باطری: فرسوده- دارای رنگ- رینگ و لاستیک مستعمل- دوگانه‌سوز- خودروی مذکور توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۵۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است. لازم به ذکر است کلیه هزینه‌های معوقه به عهده فروشنده و هزینه نقل و انتقال بالمناصفه می‌باشد. م الف ۶۲۸۱۰

دادورز اجرای احکام مدنی شوراهای حل اختلاف مشهد مقدس-قائنی

م/۹۷۰۲۶۸۹۰